

## قرابت معنایی و معنی و مفهوم

۱۶۶- بیت زیر با کدام عبارت قرابت معنایی بیشتری دارد؟

- «حساب خود اینجا کن، آسوده دل شو  
میفکن به روز جزا کار خود را»
- ۱) بتان شکسته و پاره کرده و آن را امیرالمؤمنین می‌روا دارد ستدن، آن، قاضی همی نستاند؟
  - ۲) مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد.
  - ۳) لله درکما، بزرگا که شما دوتنید و بگریست و ایشان را بازگردانید و باقی روز اندیشه مند بود.
  - ۴) آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.

۱۶۷- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) عاقبت از خامی خود سوخته
  - ۲) درنیابد حال پخته هیچ خام
  - ۳) ورای طاعت دیوانگان زما مطلب
  - ۴) تا نگردي آشنا زین‌پرده رازی نشنوی
- ره‌سروی کبک نیاموخته  
بس سخن کوتاه باید، والسلام  
که شیخ مذهب ما عاقلی گنه دانست  
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش

۱۶۸- مفهوم کدام بیت با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

- «حساب خود اینجا کن، آسوده دل شو  
میفکن به روز جزا کار خود را»
- ۱) از خودآرایان نمی‌باید بصیرت چشم داشت
  - ۲) بر مرد هوش‌یار، دنیا خس است
  - ۳) عمر در بیهده‌گردی گذرانیم چو موج
  - ۴) باغبانان ز خزان بی‌خبرت می‌بینم
- عیب پیش پا نیاید در نظر طاووس را  
که هر مدتی جای دیگر کس است  
از گهر صلح به خار و خس دریا کردیم  
آه از آن روز که بادت گل رعنا ببرد

۱۶۹- مفهوم عبارت: «به آنچه دارم و اندک است قانعم و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم» با کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) گنج زر، گر نبود کنج قناعت باقی‌ست
  - ۲) درویشم و گدا و برابر نمی‌کنم
  - ۳) خوشا آن دم کز استغنائی مستی
  - ۴) چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری
- آنکه آن داد به شاهان، به گدایان این داد  
پشمین کلاه خویش به صد تاج خسروی  
فراغت باشد از شاه و وزیرم  
به مذهب همه کفر طریقت است امساک

۱۷۰- بیت: «حساب خود اینجا کن آسوده دل شو / میفکن به روز جزا کار خود را» با همه گزینه‌ها هم‌مفهوم است به جز .....

- ۱) تو نیک و بد خود هم از خود بپرس
  - ۲) هیچ کس را تا نگردد او فنا
  - ۳) به مرگ اختیاری میرباری
  - ۴) همان به کاین نصیحت یاد گیریم
- چرا دیگری بایدت محتسب  
نیست ره در بارگاه کبریا  
که مرگ اضطراری نیست کاری  
که پیش از مرگ یک نوبت بمیریم

۱۷۱- مفهوم: «حساب خود اینجا کن آسوده دل شو / میفکن به روز جزا کار خود را» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) بیش از آن کن حساب خود که تو را
  - ۲) گرچه بی‌فرمانی از حد رفت و تقصیر از حساب
  - ۳) نه دامی‌ست نه زنجیر همه بسته چراییم
  - ۴) مرگ از خاطر به ما نزدیک تر
- دیگری در حساب گیرد سخت  
هرچه هستم هم‌چنان هستم به عفو امیدوار  
چه بندست چه زنجیر که برپاست خدایا  
خاطر غافل کجاها می‌رود

۱۷۲- مفهوم عبارت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است. حساب این نتوان داد و نگویم که مرا سخت دربایست نیست اما چون به آنچه دارم و اندک است قانعم وزر و وبال این به چه کار آید؟»

- ۱) حافظا گر معنی‌ای داری بیا
  - ۲) دارم از لطف ازل جتت فردوس طمع
  - ۳) نیرزد عسل جان من زخم نیش
  - ۴) گشت قانع به پاسخ تو دلم
- ورنه دعوی نیست غیر از قال و قیل  
گرچه دربنانی میخانه فراوان کردم  
قناعت نکوتر به دوشاب خویش (دوشاب: شیرۀ انگور)  
و ز لببت این قدر نمی‌یابد

۱۷۳- مفهوم کدام گزینه با عبارت زیر تفاوت دارد؟  
 «من نیز فرزند این پدرم که این سخن گفت و علم از وی آموخته‌ام و اگر وی را یک روز دیده بودم، واجب کردی که در مدت عمر پیروی او کردم.»

- ۱) کمال همنشین در من اثر کرد
- ۲) من بنده بسی بودم در صحبت آن مردان
- ۳) صحبت روشن‌دلان هر جا نمی‌بخشد اثر
- ۴) اثر صحبت روشن‌گهران اکسیر است

۱۷۴- مفهوم عبارت «حساب این توانم داد و نگویم که مرا سخت دربايست نیست، اما چون به آنچه دارم و اندک است قانعم وزر و وبال این چه به کار آید؟» با کدام گزینه قرابت دارد؟

- ۱) زهد با نیت پاک است نه با جامه پاک
- ۲) غار جهان گرچه تنگ و نار شده است
- ۳) با خیال او قناعت می‌کنم من کیستم؟
- ۴) در کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است

ای بس آلوده که پاکیزه‌ردایی دارد  
 عقل بسنده است یار غار مرا  
 تا وصالش در دل امیدوارم بگذرد  
 با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است

۱۷۵- قاضی بست دلیل عدم پذیرش صلت سلطان را این‌گونه بیان می‌کند: «پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این توانم داد و نگویم مرا سخت دربايست نیست، اما چون به آنچه دارم و اندک است، قانعم.» مفهوم عبارت داده شده در کدام گزینه بیان شده است؟

- ۱) بیش نیسان نکنم هم‌جو صدف دست، دراز
- ۲) می‌روم هر نفس از بیم گسستن به گداز
- ۳) گرچه چون شانه مرا دست ز کار افتاده است
- ۴) سود و سرمایه من از سفر عالم خاک

بس بود قطره آبی که چو گوهر دارم  
 گرچه چون رشته وطن در دل گوهر دارم  
 پنجه در پنجه آن زلف معنبر دارم  
 کف خاکی است که بر کوی تو بر سر دارم

۱۷۶- مفهوم مقابل عبارت «آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم
- ۲) نشنه چشمان را ز نعمت سیر کردن مشکل است
- ۳) دل آزاد من و گرد نعلق هیهات
- ۴) هشدار که در سایه دیوار قناعت

با بادشه بگو که روزی مقدر است  
 دشت اگر دریا شود، ریگ روان سیراب نیست  
 بارها سیل، نهی‌دست از این خانه گذشت  
 خوابی است که در خواب پر و بال هما نیست

۱۷۷- کدام مفهوم از عبارت «بونسر را بگوی که زرهاست که پدر ما از غزو هندوستان آورده است و بتان زرین شکسته و بگداخته و پاره کرده و حلال‌تر مال‌ها است و در هر سفری ما را از این بیارند تا صدقه‌ای که خواهیم کرد حلال بی‌شبهت باشد از این فرماییم.» دریافت می‌شود؟

- ۱) افتخار به فتوحات جنگی ایرانیان و تأمین هزینه‌های سفر از مال حلال
- ۲) تأکید به غنایم جنگی سلطان محمود و سفرهای زیاد امیرمسعود
- ۳) اشاره به کشورگشایی سلطان محمود و بذل و بخشش فراوان سلطان مسعود
- ۴) بیان دیدگاه سلطان مسعود در مورد حلال بودن غنایم جنگی و افتخار به صدقه دادن از مال حلال

۱۷۸- با توجه به عبارت «این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است حساب این توانم داد و نگویم که مرا سخت دربايست نیست اما چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این چه به کار آید؟» کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) ترس از ترازوی عدل الهی
- ۳) لازم نداشتن مال

- ۲) وارستگی و قناعت
- ۴) تنگ‌دستی و فقر

۱۷۹- مفهوم عملی که در جمله زیر مشخص شده به نوعی در کدام گزینه آمده است؟

«این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم در نهاد.»

- ۱) قضا که صورت یوسف چنین لطیف رقم کرد
- ۲) از دست گریه کتابت نمی‌توانم کرد
- ۳) همه قبیله من عالمان دین بودند
- ۴) همیشه بزنی شاد به روزگار

برای صورت خوب تو امتحان قلم کرد  
که می‌نویسم و در حال می‌شود مفسول (شسته)  
مرا معلم عشق تو شاعری آموخت  
همیشه خرد بادت آموزگار

۱۸۰- همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... با متن «نگویم که مرا سخت در بایست نیست، اما چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال

این چه به کار آید؟» ارتباط معنایی دارد.

- ۱) قناعت توان‌گر کند مرد را
- ۲) چرا پیش خسرو به خواهش روی
- ۳) چون نتوان به افلاک دست آختن
- ۴) توقع برانند ز هر مجلس

خبر کن حریص جهان‌گرد را  
چو یک سونهادی طمع، خسروی  
ضروری است با گردشش ساختن  
بران از خودش تا نراند کست

۱۸۱- معادل عبارت «پشان درجستند هفت و هشت تن و امیر را بگرفتند و بر بودند.» کدام گزینه است؟

- ۱) هفت و هشت نفر از آنان در آب پریدند و پادشاه را گرفتند و کشیدند.
- ۲) هفت و هشت نفر درون آب را جست‌وجو کردند و امیر را گرفتند و نجات دادند.
- ۳) کسانی که در آب پریدند هفت و هشت نفر بودند و امیر را دزدیدند.
- ۴) هفت و هشت نفر همراه امیر در آب بودند و او را گرفتند.

۱۸۲- عبارت «به آنچه دارم و اندک است قانعم و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

- ۱) گرچه وصالش نه به کوشش دهند
- ۲) حرص بینداز و آبروی نگهدار
- ۳) گرچه ز جهان جوی نداریم
- ۴) خوشا آن دم کز استغنا مستی

آن قدر ای دل که توانی بکوش  
سر قناعت به روی خویش فرو هل  
هم سربه جهان فرو نیاریم  
فراغت باشد از شاه و وزیرم

۱۸۳- دلیل عدم پذیرش صله از جانب قاضی بست در تمام گزینه‌ها هست جز:

- ۱) ناتوانی را قناعت خوانده است
- ۲) با پادشاه بگو که روزی مقدر است
- ۳) نیست اندیشه زیاده مرا
- ۴) بی‌نیاز از بحر دارد آب این گوهر، مرا

ناتوانی را قناعت خوانده است  
با پادشاه بگو که روزی مقدر است  
نیست اندیشه زیاده مرا  
بی‌نیاز از بحر دارد آب این گوهر، مرا

۱۸۴- «بونصر را بگوی که امروز درستم و در این سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.» یعنی:

- ۱) به خاطر بونصر شایع کن که تندرست هستم و در روزهای آینده به دیدارتان می‌آیم زیرا مرض و تب از بین رفت.
- ۲) به بونصر بگو که امروز حالم خوب است و در دو سه روز آینده اجازه ملاقات خواهم داد زیرا که بیماری و تب کاملاً برطرف شد.
- ۳) به بونصر خبر بده که من تا امروز حالم خوب بوده و دو سه روز مشغول ملاقات با افراد بودم چون دیگر هیچ بیماری ندارم.
- ۴) به بونصر توضیح بده که اگر امروز حالم بهبود یابد تا دو سه روز دیگر رفع زحمت می‌کنم برای اینکه هیچ بهانه دیگری ندارم.

۱۸۵- کدام گزینه از مفهوم عبارت «آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا، حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.» دریافت نمی‌شود؟

- ۱) قانع بودن به دارایی خویش
- ۲) دقت در حلال بودن اندوخته و مال
- ۳) پرهیز از حرص و فزون‌طلبی
- ۴) بذل ثروت اندک خویش به حاجتمندان

۱۸۶- عبارت «نگویم مرا سخت در بایست نیست، اما چون به آنچه دارم و اندک است، قانعم، وزر و وبال آن، چه به کار آید؟» با کدام ارتباط

کمتری دارد؟

- ۱) درویش را نباشد برگ سرای سلطان
- ۲) گرچه ز جهان جوی نداریم
- ۳) درویشم و گدا و برابر نمی‌کنم
- ۴) بئر ز خلق و ز عنقا قیاس کار بگیر

ماییم و کهنه‌دلقی کاتش در آن توان زد  
هم سربه جهان فرو نیاریم  
پشمین کلاه خویش به صد تاج خسروی  
که صیت (آوازه) گوشه‌نشینان ز قاف تا قاف است

۱۸۷- کدام بیت با «به آنچه دارم و اندک است قانعم و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.» هم مفهوم نیست؟

- ۱) ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم
- ۲) خوشا آن دم کز استغنائی مستی
- ۳) گرچه ز جهان جوی نداریم
- ۴) ما هیچ متاعان خجل از قدر رواجیم

۱۸۸- مفهوم عبارت زیر با همه ابیات به جز بیت ..... تناسب دارد.

- «آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا، حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.»
- ۱) گدا را کند یک درم سیم، سیر
  - ۲) دین نه و دنیا نه هم‌چو کافر درویش
  - ۳) حرص توست اینکه همه چیز کم را نایاب است
  - ۴) گنج زر گر نبود گنج قناعت باقی است

۱۸۹- کدام گزینه صفات کبک را بیان نمی‌کند؟

- ۱) در بی‌اش القصه در آن مرغزار
- ۲) هم حرکاتش متناسب به هم
- ۳) نادره کبکی به جمال تمام
- ۴) تیزرو و تیزدو و تیزگام

۱۹۰- کدام بیت به بیت «خلق را تقلیدشان بر باد داد/ ای دوصد لعنت بر این تقلید باد» اشاره دارد؟

- ۱) کرد فرامش ره و رفتار خویش
- ۲) دید یکی عرصه به دامان کوه
- ۳) با دلی از درد گرفتار او
- ۴) زاغی از آنجا که فراغی‌گزید

۱۹۱- معنی واژه «شاهد» در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... با معنای «شاهد» در بیت زیر برابر است.

- شاهد آن روضه فیروزه فام»
- ۱) ز میوه‌های بهشتی چه ذوق دریابد
  - ۲) روی دل از این شاهد بدمهر بگردان
  - ۳) قاضی به دو شاهد بدهد فتوی شرع
  - ۴) کبر یک سو نه (بگذار) اگر شاهد درویشانی

۱۹۲- مفهوم مقابل بیت «با دلی از درد گرفتار او/ رفت به شاگردی رفتار او» کدام گزینه است؟

- ۱) خواه بد و خواه نیک هرچه کنی تازه کن
- ۲) عقل از آب و گل تقلید نیامد بیرون
- ۳) هرکه شاگردی غم تو نکرد
- ۴) تلقین درس اهل نظر یک اشارت است

۱۹۳- مفهوم همه ابیات به استثنای بیت گزینه ..... با یکدیگر تناسب دارند.

- ۱) مور ندارد قدم پیل رفت
  - ۲) عاقبت از خامی خود سوخته
  - ۳) حور با دیو هم‌نشین نشود
  - ۴) چو با کبک پیوید ره راغ را
- زاغ نیارد روش کبک رفت  
ره‌رو کبک نیاموخته  
کبک با زاغ هم‌نفس نشود  
تک خود فرامش شود زاغ را

قلم‌چی-۹۳

قلم‌چی-۹۳

قلم‌چی-۹۲

۱۹۴- مفهوم معادل بیت «با دلی از درد گرفتار او/ رفت به شاگردی رفتار او» کدام گزینه است؟

- ۱) کنون زمانه که شاگرد رای توست مرا
  - ۲) در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند
  - ۳) ای درد توام درمان در بستر ناکامی
  - ۴) لوح تعلیم است صائب سینه روشن‌دلان
- ز در گه تو جدا می‌کند به استادی  
آنچه استاد ازل گفت بگو می‌گویم  
وی یاد توام مونس در گوشه تنهایی  
صحبت آینه طوطی را سخن‌پرداز کرد

۱۹۵- عبارت «قاضی بسیار دعا کرد و گفت: این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد.» با همه ابیات به‌جز ..... تناسب مفهومی دارد.

سراسری-۹۲

- ۱) اگر عنقا ز بی‌برگی بمیرد
  - ۲) مکن باور که هرگز تر کند کام
  - ۳) عقاب آنجا که در پرواز باشد
  - ۴) با عقاب تیزچنگ و با همای تیزرو
- شکار از دست گنجشکان نگیرد  
ز آب جو نهنگ لجه آشام  
کجا از صعوه صیدانداز باشد  
ابلهی باشد که رقاصی کند کبک دری

۱۹۶- دلیل پرهیز از تنعم و عدم پذیرش صله، در کدام گزینه متفاوت است؟

سراسری-۹۱

- ۱) چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این چه به کار آید؟
- ۲) به زندگی درویشانه قناعت کرده بود، نه از بخل بلکه از آن جهت که بیشتر از آن احتیاج نداشت.
- ۳) آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.
- ۴) بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق مصطفی است یا نه، من این نپذیرم و در عهده این نشوم.

۱۹۷- عبارت «آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.» با کدام گزینه تناسب معنایی ندارد؟

- ۱) درویش را که ملک قناعت مسلم است
  - ۲) گنج زرگر نبود کنج قناعت برجاست
  - ۳) در قناعت که تو را دسترس است
  - ۴) قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌بینم
- درویش نام دارد و سلطان عالم است  
آنکه آن داد به شاهان به گدایان این داد  
گر همه عزت نفس است بس است  
تحمل می‌کنم با زخم چون مرهم نمی‌بینم

۱۹۸- با توجه به مفهوم عبارت زیر، بونصر از چه چیزی شگفت زده شده است؟

- «بونصر گفت ای سبحان‌الله زری که سلطان محمود به غزو از بت‌خانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده و آن را امیر امیرالمومنین می‌روا دارد ستدن، آن، قاضی همی‌نستاند؟»
- ۱) عدم شبهه در مطابقت غزوها بر سنت پیامبر اسلام (ص)
  - ۲) خودداری بوالحسن بولانی از قبول طلاهای اهدایی امیر مسعود
  - ۳) عدم تردید امیرالمؤمنین در اخذ و مصرف طلاهای اهدایی امیر مسعود
  - ۴) بی‌غل و غش بودن طلاهایی که سلطان محمود از جنگ با کفار به دست آورده بود.

۱۹۹- کدام گزینه از مفهوم عبارت «این صلت فخر است پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد و نگویم که مرا سخت در بایست نیست اما چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این، چه به کار آید؟» بر نمی‌آید؟

- ۱) استرداد صله به دلیل خرسندی به کم از دنیا است.
- ۲) استرداد صله به علت عدم نیاز به آن
- ۳) قبول صله با سپاس‌گزاری از امیر و استرداد آن
- ۴) اظهار سرافرازی به قبول ظاهری صله و برگرداندنش به علت تردید در حلال بودنش

۲۰۰- هدف از به جای آوردن تدابیر زیر با توجه به داستان قاضی بست بیهقی چه بوده است؟

- «یافتن خانه تاریک کرده و پرده‌های کتان آویخته و تر کرده امیر را یافتم آنجا بر زبر تخت نشسته، و پیراهن توزی منخنقه در گردن، عقدی همه کافور و بوالعلا طیب آنجا زیر تخت نشسته دیدم.»
- ۱) تخفیف میزان تب و اعتدال دمای بدن امیر
  - ۲) آماده کردن امیر جهت جراحی و شکافتن جراحت
  - ۳) مساعد کردن محیط برای اقدام به زخم‌بندی
  - ۴) کاهش خشم امیر و ایجاد مکانی مناسب جهت آرامش روانی او

۲۰۱- کدام مفهوم از عبارت «این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم در نهاد. تا نزدیک نماز پیشین از این مهمات فارغ شده بود و خیلانشان و سواران را گسیل کرده. پس رقتی نبشت به امیر و هرچه کرده بود باز نمود و مرا داد.» دریافت نمی‌شود؟

- ۱) منشی باکفایت شادمانه شروع به نوشتن کرد.
- ۲) تا هنگام نماز ظهر از عهده همه امور خطیر برآمد.
- ۳) نوکران و چاکران را برای مأموریتی روانه کرد.
- ۴) نامه‌ای که اقدامات امیر را یادداشت کرده بود گشود و نشانم داد.

۲۰۲- مفهوم ابیات زیر با کدام بیت تناسب ندارد؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>ره‌رویی کبک نیاموخته<br/>ماند غرامت‌زده از کار خویش»<br/>تک خویشتن را فراموش کرد<br/>کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست<br/>نایافته دم دو گوش گم کرد<br/>چون یکی خشم آورد کیفر بری</p> | <p>«عاقبت از خامی خود سوخته<br/>کرد فراموش ره و رفتار خویش<br/>۱) کلاغی تک کبک در گوش کرد<br/>۲) گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار<br/>۳) مسکین خرک آرزوی دم کرد<br/>۴) ما را هرچند بهتر پروری</p> |
|---|--|

۲۰۳- همه بیت‌ها به جز بیت ..... به عدم تقلید کورکورانه توصیه می‌کند.

- |  |  |
|--|--|
| <p>جهد کن تا که خود کسی باشی<br/>که به غیر از تو در جهان کس نیست<br/>کم پرستند خودپرستان را<br/>در هر کس زدن ز بی‌نوری است</p> | <p>۱) چند منقاد هر کسی باشی<br/>۲) هم ز خود جوی هرچه می‌جویی<br/>۳) خودپسندی مکن که اهل نظر<br/>۴) پی تقلید رفتن از کوری است</p> |
|--|--|

۲۰۴- کدام یک از ابیات زیر با (بسیار دعا کرد و گفت: «این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است. حساب این نتوان داد.») قرابت دارد؟

- |  |   |
|--|---|
| <p>ماییم و کهنه‌دل‌ی کآتش در آن توان زد<br/>میفکن به زور جزا کار خود را<br/>فراغت باشد از شاه و وزیرم<br/>با پادشه بگوی که روزی مقدر است</p> | <p>۱) درویش را نباشد برگ سرای سلطان<br/>۲) حساب خود اینجا کن، آسوده‌دل شو<br/>۳) خوشا آن دم کز استغناهی مستی<br/>۴) ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم</p> |
|--|---|

۲۰۵- مفهوم کدام بیت با عبارت «با آنچه دارم از حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیست.» یکسان نیست؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>خدایا منعم گردان به درویشی و خرسندی<br/>آنکه آن داد به شاهان به گدایان این داد<br/>که بر بخت و روزی قناعت نکرد<br/>شاه‌بازان طریقت به مقام مگسی</p> | <p>۱) در این بازاراگر سودی است بادرویش خرسنداست<br/>۲) گنج زر گر نبود کنج قناعت باقی است<br/>۳) خدا را ندانست و طاعت نکرد<br/>۴) چه شکرهاست در این شهر که قانع شده‌اند</p> |
|--|--|

۲۰۶- کدام یک از ابیات، ویژگی‌های اخلاقی قاضی بست را بیان نمی‌کند؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>خبر کن حریص جهان‌گرد را<br/>از کجا نوشم که نبود آن وبال<br/>هرکه سنگت زند ثمربخشش<br/>بخر جان من ورنه حسرت بری</p> | <p>۱) قناعت توان‌گر کند مرد را<br/>۲) گفتم ایشان را که روزی حلال<br/>۳) کم مباش از درخت سایه‌فکن<br/>۴) به دنیا توانی که عقبی خری</p> |
|---|---|

۲۰۷- همه گزینه‌ها با هم متناسبند به جز .....

- |  |   |
|--|---|
| <p>قناعت نکوتر به دوشاب (شیره انگور) خویش<br/>که راضی به قسم (نصیب) خداوند نیست<br/>همینم بس از بهر بگذاشتن<br/>فروخواست رفت آفتابش به کوه</p> | <p>۱) نیرزد عمل جان من زخم نیش<br/>۲) خداوند از آن بنده خرسند نیست<br/>۳) چه می‌خواهم از طارم (خانه چوبین) افراشتن<br/>۴) یکی سلطنت‌ران صاحب شکوه</p> |
|--|---|

۲۰۸- همه ابیات با جمله «آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم» غرابت دارند به جز:

- ۱) یکی در میان معده انبار (پُرخور) بود
- ۲) قبول کرده از این بنده کش کنی آزاد
- ۳) قناعت سرافرازد ای مرد هوش
- ۴) یکی پر طمع پیش خوارزمشاه

۲۰۹- در کدام گزینه مفهوم مقابل مفهوم بیت‌های زیر را می‌بینیم؟

- «بر قدم او قدمی می‌کشید  
عاقبت از خامی خود سوخته
- ۱) از پی تقلید و معقولات نقل
  - ۲) تقلید چون عصاست به دست در این سفر
  - ۳) زانک تقلید آفت هر نیکویست
  - ۴) چنین است گیتی پر از آز و خرد

۲۱۰- همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... با بیت «هم حرکاتش متناسب به هم / هم خطواتش متقارب به هم» قرابت معنایی دارند.

- ۱) دیدار یار بهشت صحبت یاران همدست
- ۲) متناسب ز فرق تا به قدم
- ۳) متناسبند و موزون حرکات دل‌فریب
- ۴) قدش به قاعده موزون نه کوتاه و نه بلند

قلم‌چی - ۹۷

- ۲۱۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟
- ۱) بلبلی را که به دیدار ز گل قانع شد
  - ۲) باش خرسند چو مردان به قناعت صائب
  - ۳) مورم اما خوشه‌چین خرمن دونان نیام
  - ۴) دل قانع ز احسان کریمان است مستغنی

قلم‌چی - ۹۷

- ۲۱۲- مفهوم کدام گزینه با بقیه در تقابل است؟
- ۱) همه را دل ز همت عالی
  - ۲) قناعت در مزاج همت مردان نمی‌باشد
  - ۳) هر کجا مور قناعت پر همت وا کرد
  - ۴) هر سفله پی به گنج قناعت کجا برد

یادداشت ✍